

چگونگی تشکیل نهادهای کارگری

سئوال: رفیق م. رازی اولین سئوالی که مطرح شده و من آنرا بازگو می کنم، این است که حزب پیشتاز انقلابی یا افرادی که معتقد به تشکیل حزب پیشتاز انقلابی هستند چه رابطه ای با تشکلات مستقل کارگر که اشکال مختلفی می تواند داشته باشد مثل (کمیتة های مخفی، شوراها یا سندیکا) دارند؟

در وهله نخست مسأله اساسی که بار دیگر در رابطه حزب پیشتاز انقلابی (حزبی که متأسفانه امروز هنوز ساخته نشده منتهی زمینه ها و تدارکات اولیه در جهت ساختن آن برداشته شده و امیدواریم هر چه زودتر این حزب در داخل ایران توسط پیشروی کارگری و نیروهای انقلابی و کمونیستی ساخته شود) باید تأکید شود، این است که، رابطه این حزب پیشتاز با تشکل های مستقل کارگری، باید یک رابطه تنگاتنگ و ارگانیک و نزدیک باشد. در غیر این صورت اصولاً ماهیت چنین حزبی زیر سئوال خواهد رفت. بنابراین مسأله مهم این است که در حین ساختن حزب پیشتاز انقلابی و همچنین در دوران تدارکات ساختن آن؛ نیروها و افرادی که از بنیادگذاران این حزب، باید رابطه تنگاتنگ با تشکل ها و تجمع های توده ای کارگری داشته باشند. در واقع باید نظرات، برنامه ها و خط مشی سیاسی خود را بطور روزمره در درون جنبش کارگری به آزمایش بگذارند و صحت و سقم آن را مورد بررسی قرار

دهند، تا از این طریق این حزب بتواند به نظرات روشن تر و نظرات والاتری برای امر دخالت‌گری برسد.

تشکل‌های مستقل کارگری همانطور که از نامشان پیداست، تشکل و نهادی است که از تجمع کارگران با عقاید و نظرات متفاوت بوجود می‌آید. تشکل مستقل کارگری به اعتقاد من هیچ وقت بطور خود به خودی منجر به تشکیل حزب طبقه کارگر نمی‌شود. علت آن هم این است که تشکل مستقل کارگری یا تجمعات کارگری، بخصوص در دوره آتی تجمعاتی خواهند بود که کار علنی می‌کنند. در جوامع بورژوایی، در جوامعی که تحت حاکمیت رژیم‌های اختناق آمیز قرار دارند این تجمعات اگر هم بوجود آیند، تحت نفوذ و کنترل ایدئولوژیک و تشکیلاتی هیئت حاکم قرار خواهند گرفت. به این مفهوم که نظرات رفرمیستی، نظرات متمایل به دولت سرمایه داری از طریق نهادهای دولتی مانند خانه کارگر، شوراهای اسلامی و غیره به درون این تشکلات رخنه خواهد کرد. از طرف دیگر هم در واقع عناصر جاسوس و عناصری که در خفا گزارش‌های فعالیت این تجمعات را به رژیم و شبکه‌های اطلاعاتی رژیم می‌دهند به درون این تشکل راه پیدا خواهند کرد.

در نتیجه، واضح است این تشکل‌ها منجر به تشکیل یک حزب پیشتاز انقلابی که امر دخالت‌گری را درون طبقه کارگر در راستای سرنگونی نظام سرمایه داری و تشکیل حکومت کارگری برخواهد داشت، نمی‌شود. این مسأله‌ای اساسی است که باید بر آن تأکید کرد. در نتیجه بطور اخص ضرورت و لزوم تشکیل حزب پیشتاز انقلابی، زمانی که این تشکل‌ها بوجود می‌آیند، بسیار برجسته تر و مهم تر خواهد شد. بنابراین ما خواهان این هستیم که نیروهای انقلابی طبقه کارگر، کمونیست‌های پیشرویی که درون طبقه کارگر وجود دارند، جوانان کمونیستی که در بخش‌های مختلف جامعه امروز در حال فعالیت هستند، دور برنامه انقلابی که ناشی از برنامه برای رهایی طبقه کارگر است، متشکل شوند و از طریق این تشکیلات و از طریق

ایجاد نطفه های اولیه این تشکیلات، همزمان در درون تشکلات توده بی کارگری هم دخالت بکنند.

سئوال: آیا شرکت در این تشکلات که بنام «تشکلات مستقل کارگری» از آن نام بردید مشروط است؟ یعنی آیا پیشروان جنبش کارگری، کمونیست ها و سوسیالیست های انقلابی باید در درون این تشکلات و بعضاً در درون سندیکاهایی که در آینده در ایران بوجود خواهد آمد، شرکت کنند؟ و اگر شرکت کنند، شرکت شان اساساً باید بر روی چه پایه هایی استوار باشد؟

همانطور که ذکر کردم کمونیست ها تا زمانی که بطور واقعی به عقاید کمونیستی اعتقاد داشته باشند، باید همواره، همراه طبقه کارگر و در درون آن فعالیت بکنند. چون کمونیستی وجود ندارد که خارج از طبقه کارگر و در اطاق های در بسته به امر تدوین برنامه بپردازد. آنها کمونیست های واقعی و مرتبط به طبقه کارگر نیستند. از یکسو نیروهای انقلابی، کمونیست های انقلابی، پیشروی کارگری کمونیست، تمام کسانی که در صف مقدم مبارزات ضدسرمایه داری در دو دهه گذشته قرار گرفته اند و به یک سلسله برنامه هایی که فراتر از مسائل صنفی و مسائل دموکراتیک جنبش کارگری است، رسیده اند. این برنامه را که چکیده مبارزات یکصدوپنجاه ساله طبقه کارگر در سطح بین المللی است تدوین می کنند و همراه با این برنامه و ایجاد تشکیلات منسجم، دخالت در درون طبقه کارگر را سازمان می دهند.

در نتیجه واضح است که این دخالت گری باید در درون طبقه کارگر باشد. از این رو در شرایط ایران دو نوع اتفاق امکان دارد رخ دهد. یکی اینکه خود رژیم همراه با سازمان بین المللی کار و در واقع با تأیید نیروها و محافل بین المللی سرمایه داری دست به ساختن یک سندیکای کارگری در ایران زده و آن را یک سندیکای مستقل قلمداد کند. اگر چنین اتفاقی بیافتد واضح است که با ارزیابی اینکه در مجموع تا چه حدی طبقه کارگر در این تشکل ها شرکت می کنند، ما دخالت خود را تنظیم می کنیم. اگر طبقه کارگر، توده های طبقه کارگر در داخل ایران توهم نسبت به این تشکلات

نداشته باشند و در این تشکلات شرکت نکنند، واضح است که کمونیست ها هم در این تشکل ها شرکت نمی کنند و همراه با توده های طبقه کارگر به ایجاد تشکلی در مقابل این تشکل یعنی (تشکل مستقل کارگری) دامن می زنند.

اما به دلایل مختلف و وجود اختناق در سال های گذشته، و نبود رهبری در درون جنبش کارگری و تشکل های کارگری، این امکان وجود دارد که توده های وسیع در درون سندیکاها و اتحادیه های کارگری که توسط رژیم با همکاری ای، ال، او ایجاد می شود، شرکت کنند. که در این صورت کمونیست ها نمی توانند خود را از توده ها منزوی کنند و باید با برنامه روشن ضدسرمایه داری، مداخلاتی در جهت جدا نگهداشتن طبقه کارگر از این تشکلات ایجاد بکنند. منتهی این جدا نگهداشتن به این مفهوم نیست که بطور فیزیکی، بطور جسمانی آنها را جدا نگهداریم، در واقع از لحاظ سیاسی، شکل دخالت گری اینگونه باید باشد که طبقه کارگر را به این آگاهی رسانده شود تا درون تشکل هایی که به رژیم و سازمان های بین المللی امپریالیستی مرتبط هستند، شرکت نکنند. این تنها از طریق امر دخالت گری در درون آنها و ایجاد پیش شرط هایی که از آگاهی فعلی طبقه کارگر شروع می شود میسر می گردد و آنها را بجایی می رساند که خودشان، (خود طبقه کارگر)، به ضرورت تحریم این تشکلات وابسته برسند.

بنابراین به اعتقاد من نیروهای انقلابی، نیروهای کمونیستی در هر شرایطی باید ارزیابی بکنند که در چه موقعیتی قرار گرفته اند و توده های کارگر در کجا قرار دارند. اعتقاد ما بر این است که حتی اگر توده های کارگر دچار لغزش ها و اشتباهاتی شوند، ما باید در درون توده های کارگر شرکت داشته باشیم و آنها را از اشتباهات و کجروی ها برحذر کنیم، و از این نقطه نظر شرکت ما در تشکل هایی که ایجاد می شود منوط بر این است که توده های طبقه کارگر در آن شرکت می کنند یا نه.

سوال: اکنون اگر در این سندیکاها شرکت کردیم و عملاً شرایطی در سندیکاها بوجود آمد که محدودیت های خیلی زیادی را بر روی نیروهای چپ، کمونیست، مترقی، سندیکالیست، سوسیالیست های انقلابی و پیشروان کارگری ایجاد کرد. در چنین شرایطی مواضع این نیروها در قبال حملات و پیشروی های رژیم چه باید باشد؟

واضح است که ما به عنوان نیروهای کمونیست بدون پیش شرط ها در درون چنین تشکلاتی شرکت نخواهیم کرد. پیش شرط هایی را باید طرح کنیم، حول آن مبارزه کنیم و کل طبقه کارگر را متقاعد سازیم که این پیش شرط ها را از آن خود کنند. یکی از این پیش شرط ها این است که تشکلاتی که بوجود می آیند باید کاملاً و اساساً از ریشه مستقل از دولت و تمام نهادهای وابسته به دولت باشند. از جمله مستقل از خانه کارگر از حزب کار اسلامی، شوراهای کار اسلامی و غیره. در نتیجه این یکی از پیش شرط های اساسی شرکت یا عدم شرکت در این تجمعات است. یعنی اگر قرار باشد نهادهای دولتی مثل خانه کارگر کماکان در درون این تشکلات اعمال نفوذ کنند، واضح است که پیشنهاد تحریم چنین تشکلی را باید ارائه داده شود و برای تحریم آن مبارزه شود.

البته در اینجا برخورد دیگری مطرح می شود: اینکه از ابتدا بدون اینکه این مسائل و این پیش شرط ها را در درون طبقه کارگر مطرح کرده، تحریم را اعمال می کند. که بنظر من این دخالت ناصحیحی است. چون اگر طبقه کارگر به این آگاهی نرسیده که این تشکل ها را تحریم بکند، باید از طریق دخالت گری در درون طبقه کارگر، آنجایی که آنها قرار دارند، این مبارزه را سامان داد. این یکی از این پیش شرط ها است.

پیش شرط دوم این است که این تشکل ها باید کاملاً دموکراتیک باشند. به این مفهوم که طبقه کارگر و کارگرانی که در درون این تشکل ها هستند باید مطبوعات آزاد خودشان را داشته باشند. باید حق بیان و حق تجمع و حق ابراز عقاید خودشان

را از طریق رسانه های عمومی بدون سانسور و بدون محدودیت داشته باشند. اگر این مورد پذیرش دولت قرار نگیرد، واضح است که چنین تشکلی باید تحریم گردد. بنابراین مبارزه برای تحریم تشکل های وابسته به دولت از طریق امر دخالت گری صورت می گیرد. یعنی امر دخالت گری و آغاز، از آگاهی فعلی طبقه کارگر و کمک به کارگران برای برداشتن گامی به جلو. که این به اعتقاد من یک برخورد اصولی و غیرفرقه ای خواهد بود. و از این نقطه نظر اگر طبقه کارگر مایل به دخالت در این تشکل ها باشد واضح است که ما با پیش شرط هایی وارد این تشکل ها می شویم و بطور مرتب مبارزه کل طبقه کارگر را علیه مدیران کارخانه و هم چنین دولت سرمایه داری تشدید می کنیم.

سوال: نکته ی دیگری که در ارتباط با پیوند مبارزات طبقه کارگر با سایر اقشار و توده های مردم مطرح می شود، وجود گرایشات مختلف در پیشروی کارگری است، که در این ارتباط مشکل ایجاد می کنند. مانند گرایشات انحلال طلب، گرایشات آنارشویستی، سندیکالیستی که امروز در پیشرو کارگری دیده می شود.

نظر شما بطور مشخص در این خصوص چیست؟ شما آیا این موانع را که در ارتباط گیری پیش روی کارگری با سایر اقشار وجود دارد از مشکلات اساسی آن ارزیابی می کنید؟ و آیا اساساً راهی برای گذر از این گرایشات انحرافی که بعضاً در قسمتی از پیشروی کارگری وجود دارد، می شناسید؟

همانطور که گفتید این گرایشات انحرافی در بخشی از پیشروی کارگری وجود دارد. مانند گرایشات سندیکالیستی گرایشاتی که «کارگر-گرا» هستند یعنی کاملاً خود را از اقشار تحت ستم جامعه جدا می کنند و اهمیت چندانی به مبارزات سایر اقشار نمی دهند و همه چیز را «کارگری» و متکی به کارگران می پندارند. ولی به اعتقاد من در درون پیشروی کارگری بخش دیگری وجود دارند که نظر متفاوتی دارند و متفاوت با این عده عمل می کنند و آنها خواهان پیوند اکثر اقشار تحت ستم با طبقه کارگر هستند. بنابراین از یک طرف مسأله طبقه کارگر نه تنها مبارزه برای پیوند با

اقتدار تحت ستم؛ بلکه مبارزه با انحرافات درون خود جنبش کارگری نیز هست. این انحرافات که از درون طبقه کارگر ظاهر می شوند، در واقع طبقه کارگر را در انزوا و در حاشیه قرار خواهد داد. در صورتی که بخشی از طبقه کارگر بخشی از پیشرو طبقه کارگر که اعتقادات کمونیستی هم دارند از طریق فعالیت ها از طریق اطلاعیه هایی که در اوج مبارزات دانشجویی صادر کردند، نشان دادند که خواهان همگرایی با جنبش های دانشجویی، جنبش های معلمان و سایر اقتدار تحت ستم هستند. بنابراین مبارزه علیه فرقه گرایی در درون جنبش کارگری یکی از مبارزاتی است که بر دوش کارگران پیشرو قرار دارد.

سوال: یکی از مسائلی که می خواستم در همین راستا از شما سنوال بکنم در رابطه با انحراف دیگری است که در پیشروی کارگری وجود دارد. این انحراف عمدتاً مسأله حزب پیشتاز انقلابی را رد می کند. و اساساً علاوه بر اینکه بحث های بسیار رادیکالی را در سطح جنبش کارگری بعضاً در قسمت هایی دیدیم که طرح می کند ولی بر سر مفهوم حزب پیشتاز انقلابی بدلیل لغزش هایی که بیشتر اتفاق افتاده، این مسأله را رد می کند. یکی دیگر اینکه بستر پیدایش چنین تفکری چگونه بوجود آمده و اساساً نیروهای انقلابی و پیشروی کارگری که اعتقاد به تشکیل حزب پیشتاز انقلابی دارند چگونه باید با این نیرویی که انحلال طلب است و باوری به حزب پیشتاز انقلابی ندارد برخورد بکنند؟

واضح است که در گذشته لغزش هایی در درون جنبش کارگری اتفاق افتاده است. همانطور که اطلاع دارید در دوران انقلاب بسیاری از نیروهای سیاسی در واقع طبقه کارگر را به کجراه بردند و یا از طریق بحث ها و برنامه های انحرافی آنها را به دولت بورژوایی متکی کردند. در ابتدای انقلاب که دولت خمینی بر سر کار بود، همانگونه که دوستان به یاد دارند شاهد این بودیم که برخی از نیروهای چپ، گرایش خمینی را به عنوان یک گرایش مترقی و ضدامپریالیستی به جنبش کارگری معرفی

کردند. پس از آن با گرایش‌های دیگری متحد شدند و شعار «روحانیت مبارز» را سر دادند و حتی برخی از اینها متمایل به گرایش بنی صدر شدند.

بنابراین وجود این لغزش‌ها، این کجروی‌ها درون طبقه کارگر منجر به این شد که طبقه کارگر دیگر اعتمادی به نیروهای سیاسی که آنها را به کجراه بردند، نکند و در تحلیل نهایی به این اعتقاد برسد که خودش متکی به نیروی خودش حزب و تشکیلات خود را خواهد ساخت. و به دلایل عینی این افتراق بین روشنفکران، احزاب سیاسی و طبقه کارگر بوجود آمده است. از سوی دیگر به نظر من پیشروی کارگری به دلیل نبود تجارب کافی بخصوص تجارب بین‌المللی، از طریق مبارزات عملی خود که تجربه آن را کسب کرده به یکسری اعتقاداتی رسیده (نه از طریق مبارزات نظری) و یا انتقال مسائل نظری.

ضمناً امروزه مسأله حزب پیشتاز انقلابی هنوز از طرف بسیاری جا نیفتاده و اینها اعتقادی به چنین حزبی ندارند. و این هم مسأله‌ای نیست که ما بتوانیم بطور تصنعی و یا از طریق صرفاً چند بحث نظری در اینجا و یا نوشتن چند مقاله این مشکل را برطرف کنیم. به اعتقاد من نیروهای انقلابی در وهله نخست باید از طریق مداخله مستمر و مداوم در درون طبقه کارگر و فعالیت در حرکات آنها و قرار گرفتن در کنار آنها لزوم ایجاد حزب پیشتاز انقلابی را طرح بکنند. البته این روندی لازم خواهد داشت. ما باید با صبر و حوصله بسیار در جهت ساختن حزب پیشتاز انقلابی همراه با پیشروی کارگری و طبقه کارگر گام برداریم. اتفاقاتی که در دوره انقلاب گذشته افتاد، به سهولت و به سرعت بر طرف شدنی نیست. ولی من اعتقاد دارم که اگر کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی که مسلح به برنامه انقلابی هستند در کنار طبقه کارگر و پیشروی کارگری باشند و پیشروی کارگری آنها را لمس بکند و در مسائل روزمره‌شان شریک بداند، محققاً امر ساختن حزب پیشتاز انقلابی سرعت خواهد گرفت.

مسئله ای که ما امروز با آن روبرو هستیم این است که هنوز بسیاری از نیروهای سیاسی موجود، احزاب سنتی، به این نظر نرسیده اند و هنوز قیم مآبانه از بالا دستور صادر می کنند، اطلاعیه صادر می کنند و طبقه کارگر را به پیوستن به خودشان فرا می خوانند. این سیاست اشتباهی بوده و کمکی به ساختن حزب پیشتاز انقلابی در داخل ایران نخواهد کرد. ما بعنوان نیروهای سوسیالیست انقلابی کوشش کرده ایم و کوشش خواهیم کرد که در کنار طبقه کارگر دست به ایجاد حزب پیشتاز انقلابی و طرح این مسئله بزنیم.

سوال: بحث ایجاد احزاب توده بی طبقه کارگر یکی دیگر از مسائلی است که در جنبش طبقه کارگر، در داخل مطرح می شود. عده ای این را مانعی بر سر مبارزات طبقه کارگر ارزیابی می کنند و عده ای دیگر بر این باورند که طبقه کارگر به مثابه یک طبقه احتیاج به یک حزب توده بی دارد که درب های آن باز بوده و طیف های مختلف طبقه کارگر بتوانند در آن جمع شوند. می خواستم نظرتان را در مورد احزاب توده بی طبقه کارگر بدانم و در ضمن اگر مثال و تجربه ای در سطح جنبش بین المللی وجود دارد با اشاره به آن مسئله را بازتر و مشهودتر نمایم.

همانطور که اطلاع دارید بورژوازی کشورهای مختلف از جمله بورژوازی ایران، با روش ها و تاکتیک های متفاوتی امر استثمار طبقه کارگر را دامن می زند. گاهی با سرکوب و با بریدن سر طبقه کارگر با شمشیر عمل می کند همانطور که در دوره گذشته ما در داخل ایران شاهد آن بودیم که چگونه اینها به دستگیری ها و قتل عام طبقه کارگر دامن زدند. همین دو سال پیش بود که کارگران شادان پور را جلوی مجلس به گلوله بستند و گشتند و بسیاری از کارگران و رهبران کارگران را سر به نیست کرده و یا در زندان ها به سر می برند. بنابراین روش دیگری که وجود دارد و روش معتدل تری است و در آن برای بورژوازی باز است، به این ترتیب است که ما در کشورهای آمریکای لاتین، مثلاً در برزیل شاهد این هستیم که شخصی که اتفاقاً یکی از رهبران کارگری این کشور است. بنام «لولو» حتی در مقام ریاست جمهوری

قرار گرفته و حزب بزرگ کارگری ایجاد کرده است و در واقع جمیع کارگران را در حزب خود جمع کرده است.

این روش هم در دوره آتی می تواند تحت شرایطی در ایران بوجود آید. هم اکنون ما می بینیم که ای، ال، او و سازمان های بین المللی قصد ایجاد سندیکای کارگری، اتحادیه های کارگری را دارند. بورژوازی به تاکتیک های مختلفی برای مسدود کردن مبارزات طبقه کارگر و جلوگیری از پیشرفت مبارزات ضدسرمایه داری طبقه کارگر دست می زند. از جمله اجازه ساختن اتحادیه کارگری یا حزب کارگری طبقه کارگر، ما در برزیل شاهد آن بودیم حزبی که در آنجا بوجود آمده هیچ چیزی جز آلت دست سازمان های بین المللی نگردیده و بانک های بین المللی از طریق سیاست هایشان و از طریق این حزب در جامعه برزیل اعمال نفوذ می کنند. طبیعی است که اگر در داخل ایران هم اگر چنین گردد و احزاب بزرگ بی درو پیکر کارگری که در درون آن تمام عناصر فاسد دولت سرمایه داری جای گرفتند بوجود آید واضح است که طبقه کارگر ذینفع نیست.

اگر چنین گردد واضح است که باید از طرف نیروهای انقلابی مداخلاتی صورت گیرد. ولی امروز مسأله اصلی طبقه کارگر مسأله کسب اعتماد به نفس است. مسأله اصلی طبقه کارگر این است که در دوره آتی خود را برای مدیریت کارگری آماده کند. برای حکومت کارگری آماده گرداند. برای اینکه قدرت را در دست خود گیرد آماده کند و از این زاویه احزاب بزرگ کارگری که بی در و پیکر هستند و درشان بروی تمام عقاید رفرمیستی و تمام عناصر فاسد رژیم باز است از بوجود آمدن این اعتماد به نفس در طبقه کارگر جلوگیری می کنند. به اعتقاد من تنها راه ایجاد اعتماد به نفس در درون طبقه کارگر ایجاد یک حزب پیشتاز انقلابی است. حزب پیشتاز انقلابی متشکل از نیروهای متعهد کمونیست با برنامه انقلابی در درون این حزب است. که بطور مخفی خود را سازمان می دهد و در مبارزات توده ای شرکت می کند و رهنمود می دهد و طبقه کارگر را از کجراه ها و از ناهنجاری ها برحذر می نماید و از این

طریق آن، تشکیلات متعهدترین کارگران و جدی ترین کارگران بوجود می آید. چنین حزبی خود را برای گرفتن قدرت در دست طبقه کارگر سازمان می دهد. کل طبقه را سازمان می دهد.

اما، احزاب بزرگ، احزابی که در شرایط کنونی در جوامعی نظیر جوامع ما بی درو پیکر ساخته می شوند. اینها عملاً امر سازماندهی مبارزات طبقه کارگر را مسدود خواهند کرد. چون زمانی که تمام تاکتیک ها و برنامه ریزی های طبقه کارگر علنی باشد، واضح است که دولت های سرمایه داری جلوی آن را مسدود می کنند. رهبران پیشتاز انقلابی و رهبران طبقه کارگر را دستگیر، سربسته و یا اعدام می کنند. از این نقطه نظر همواره ما باید تأکید را بر این بگذاریم که حزب پیشتاز انقلابی در این دوره ایجاد شود. اما این هم قابل ذکر است که ما در نهایت خواهان یک حزب بزرگ کارگری در داخل ایران هستیم. حزب کمونیست ایران. البته حزب کمونیستی امروز وجود ندارد و این باید در دوران اعتلای انقلابی بوجود آید. دورانی که مسأله تسخیر قدرت توسط طبقه کارگر مطرح می شود. آن موقع است که این حزب بزرگ کارگری خواهد توانست بر ناهنجاری های جامعه غلبه کند بر عقاید بورژوازی و رفرمیستی غلبه نماید. یعنی در دوران اعتلای انقلابی چنین حزبی بوجود می آید. اما ما قبل از آن اینگونه احزاب «بزرگ» راه را برای مبارزات طبقه کارگر و کسب اعتماد به نفس مسدود می کنند.